

محمود بوستانی

(۱) فصاحتِ هزار

نه مقسم ترانه ام/ نه در ولیمه ی ابر/ کرشمه ی کسان باد
جهالتِ فرودین زخمم/ برفِ آسمان و گلدانِ هلالی اش
○

یک چند به جداره ی نقره و روّیا/ دو چنگ به خراشه ی آهو و دریا
و هزاره ی سنگ قند بی کرانه ی فریاد/ در فصاحتِ هزار

(۲) شادی

خوابِ مینای مأنوس/ در تنگه ی فضا/ از آویزه های گرهی
در رطلِ تاک ها و /رقص دانایی/ به عزلِ غزال ها و /شوخبانیِ گرمگان
آه! شادی! به بهمن کُله کجِ خوانِ غزل باش
جنون را به بالای بازپسین/ فصلِ سرخ من است

(۳) مطرود ۲

سنگِ شبنم بر گرده ی گیاهی اش بزن/ کودک/ اعوجاجِ پیچک را
زی دستانِ عشقم، کوچ داده است
○

پیوندی معصومانه بود/ شکستگیِ بیقرارِ خاک را
استخوانِ ناموزونِ مطرود.